

مدیرعامل سازمان صنایع کوچک:
**کارگران را برای استقرار
در اطراف شهرک‌های صنعتی
توغیب می‌کنیم**

مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران درباره تمهیدات این سازمان برای حل مشکل تامین نیروی کار در شهرک‌های صنعتی، از برنامه‌ریزی برای استقرار کارگران در اطراف شهرک‌های صنعتی خبر داد.

به گزارش ایسنا، علی‌رسولیان اظهار کرد: سال گذشته بیش از ۱۲ هزار واحد را کسب و غیرفعال در داخل و بیرون شهرک‌های صنعتی مورد بررسی و پایش قرار گرفتند. در نهایت با کمک مشاوران این سازمان، استانداران و ستاد تسهیل و رفع موانع تولید ۲۰۶۷ واحد احیا شد که نسبت به سال ۱۳۹۹ رشد ۴۰ درصدی داشته و ۱۵ درصد از تعداد واحدهای را کسب و غیرمجموعه شهرک‌ها و نواحی صنعتی کاسته شده‌است.

به گفته‌وی ۱۶۰۰ مورد از این واحدها در داخل شهرک‌ها و ۴۵۰ واحد در بیرون از شهرک‌ها احیا شدند و ۲۶ هزار شغل جدید با احیای این واحدها نیز ایجاد شد. بر نامه امسال این سازمان نیز احیای ۲۰۰۰ واحد را کسب و غیرفعال است.

■

استاد اقتصاد دانشگاه علامه:

**حذف یارانه نان، بیشترین فشار را
بر فرودستان تحمیل می‌کند**



در روزهای اخیر اظهار نظرهای متفاوتی درباره آینده یارانه قیمت گندم و نان به‌عنوان مهمترین قلم خوراکی کارگران و گروه‌های فرودست اجتماعی مطرح شده‌است. «مصطفی شریف» استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی ضمن اشاره به صحبت‌های اخیر استاندار زنجان که از اجرای آزمایشی طرح آزادسازی قیمت نان و پرداخت یارانه خریدنان در شهرهای این استان خبر داده، گفت: انسان نباید از یک نقطه دوبار نیش بخورد، به‌نظر می‌رسد شواهد قیمتی و بحث افزایش قیمت خرید تضمینی گندم تا بیش از ۱۰ هزار تومان و ادعاهای اخیر برخی مسئولان حاکمی از احتمال افزایش قیمت نان و آزادسازی آن است.

این کارشناس اقتصاد کشاورزی با بیان اینکه نحوه عملکرد ما در رابطه بانان و گندم شیبه ماجرای بنزین شده، افزود: به‌نظر نمی‌آید که در این زمینه کار کارشناسی جدی صورت گرفته باشد هر چند تجربه نشان داده که این اقدامات نیاز به مطالعه گسترده دارد. اینکه ما چنین چیزی را صرفاً باب آزمایش در یک منطقه یا استان کوچک تست کنیم، نتایج مطلوب را به‌مانخواهد داد.

وی گفت: در ماجرای بنزین نیز ابتدا گفته شد طرح در یکی از بنادر یا جزایر جنوبی اجرا می‌شود و اگر جواب داد به مرور مطرح می‌شود اما به ناگهان بحث آن متوقف شد و پس از مدتی به صورت دفعی طرح اجرا شد. به همین علت ابتدا باید شفاف کنند که این اقدام با چه پشتوانه مطالعاتی و به چه نحوی اجرا خواهد شد؟

شریف اضافه کرد: اثر افزایش قیمت نان روی سفره‌های طبقات اجتماعی مختلف یکسان نیست و روی گروه‌های فرودست بیشترین فشار را می‌آورد و مشخص نیست که پرداخت مبلغ اندکی به نام یارانه نان بتواند آن را جبران کند اما با تخمین‌های موجود تصور من این است که آزادسازی قیمت آرد و نان و حذف یارانه دولتی از روی آن در ازای پرداخت یارانه نقدی نان، قیمت را بیشتر از دوبرابر خواهد کرد.

■ ■ ■

**حق مسکن و بن خواربار
بازنشستگان ناچیز است**

یک فعال حوزه کار با بیان اینکه افزایش ۳۸ درصدی در سایر سطوح باید در مورد بازنشستگان نیز رعایت شود، تصریح کرد: حق مسکن و بن خواربار بازنشستگان مبلغ ناچیزی است.

رحمت‌الله پورموسی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره برخی نگرانی‌ها نسبت به عدم رعایت افزایش سایر سطوح مزای در مورد بازنشستگان و مواردی که در خصوص افزایش ۱۰ درصدی در بودجه ۱۴۰۱ مطرح می‌شود، اظهار کرد: آن چیزی که در بودجه مصوب می‌شود هیچ ارتباطی به بازنشستگان تامین اجتماعی ندارد. بودجه فقط برای کارمندان و بازنشستگان کشوری و لشگری است.

وی یادآور شد: در جلسه با هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی برای سایر مزایا، حق اولاد و عائله‌مندی هم باید پیش‌بینی افزایش صورت گیرد ولی آنچه مسلم است افزایش ۵۷۴٫۴ درصدی در پایه حقوق بازنشستگان لحاظ می‌شود و در مورد سایر سطوح نیز انتظار داریم ۲۸ درصد به اضافه ۵۱۵ هزار تومان ماهانه اعمال شود که قول مساعد داده شده‌از ادبیهشت ماه پرداخت شود و مابه‌التفاوت فروردین ماه نیز به دنبال آن پرداخت خواهد شد.

اراده‌ای برای تصویب سریع تر اصلاحیه ماده ۵ در کار نیست

کارگران ساختمانی؛ گرفتار در هزارتوی بیمه



نسرین هزاره مقدم

رنجنامه کارگران فصلی غالباً بیکار مانند احمد، مثنوی هفتادمن کاغذ است و این نامه مطول، نقطه پایانی ندارد. در شرایطی که جای شغل شایسته با درآمد مطمئن خالی ست، حمایت‌های اجتماعی و بیمه‌ای نیز به کمترین میزان در چند سال گذشته رسیده‌است. اثبات این ادعا دشوار نیست. «میکائیل صدیقی»، رئیس انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان، می‌گوید: «تقریباً دو سال است که هیچ کارگر ساختمانی جدید بیمه نشده‌است. صف طولانی کارگران ساختمانی اصلاً جلو نمی‌رود. این همه کارگر باره وقت و معمولاً بیکار را معطل تصویب اصلاحیه قانون بیمه کارگران ساختمانی نگه داشته‌اند و این طرح نیز مدام در راهروهای مجلس عقب و جلو می‌رود بدون اینکه تصویب شود و خروجی داشته باشد».

معطلی ۵، ۵ ساله اصلاحیه ماده ۵
اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی یا همان اصلاح ماده ۵ که مربوط به نحوه اخذ سهم کارفرما در مقوله بیمه کارگران ساختمانی است، مدت‌هاست در گیرودار تصویب در مجلس است؛ دقیقاً دو سال و شش ماه. شانزدهم فروردین ماه سال جدید، نمایندگان مجلس به منظور رفع ایرادات، طرح اصلاح قانون بیمه

کارگران ساختمانی را برای چندمین بار به کمیسیون اجتماعی ارجاع دادند. به گفته «علیرضاسلیمی» از نمایندگان مجلس، «بند الف ساده و واحده طرح اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی ایرادات جدی دارد و برخلاف چنداصل از قانون اساسی است».

با این اوصاف، باز هم انتظار کارگران ساختمانی برای تصویب نهایی این طرح و خاتمه بالاتکلیفی، طولانی‌تری می‌شود. از آنجاکه این طرح سازوکار دریافت سهم کارفرما در بیمه کارگران ساختمانی را تعیین می‌کند، ظاهرأ تا زمان تصویب نهایی در مجلس، مسیر بیمه شدن کارگران متقاضی مسدود است.

در حالت کلی در بیمه کارگران ساختمانی، سهم ۲۰ درصدی برای کارفرما در نظر گرفته شده و کارفرما موظف است ۸ درصد از مزد هر کارگر به‌ازای ساخت هر متر از ساختمان با ضربه بین نیم تا ۱۴ درصد را به عنوان سهم خود برای پرداخت حق بیمه کارگر ساختمانی پرداخت کند. ضربه تعیین شده برای پرداخت حق بیمه در مناطق مختلف با توجه به قیمت زمین و شرایط محیطی از ۵ تا ۱۴ درصد متغیر خواهد بود. هرچه هزینه ساخت ساختمان بالاتر و منطقه آن جزو مناطق گران‌قیمت‌تر باشد، هزینه سهم کارفرما برای پرداخت بیمه کارگر گران‌تر

**سهم کارگر در بیمه
کارگران ساختمانی،
۷۰ درصد است، اما تامین
اجتماعی با استاندارد
فرمول‌هایی مبتنی بر
کارت مهارت، برای هر سه
گروه، بیشتر از ۷ درصد را
در یافت می‌کند**

خواهد بود. اگر ساختمان در مناطق محروم‌تر ساخته شود یا هزینه ساخت کمتری داشته باشد، هزینه سهم کارفرما در پرداخت حق بیمه کارگر هم کاهش می‌یابد. قرار است اصلاحیه مجلس، ورودی‌های سازمان تامین اجتماعی را با دریافت سهم عادلانه از کارفرمایان و متولیان ساخت و ساز بیشتر کند اما گویا اراده‌ای برای تصویب سریع‌تر آن در کار نیست. چهاردهم خردادماه سال پیش نیز این طرح در صحن علنی مجلس به بررسی گذاشته شد اما به دلیل ایرادات آیین‌نامه‌ای و اشکالاتی که نمایندگان از جمله رئیس مجلس وارد کردند، به تصویب نرسید. حالا بعد از گذشت بیش از نه‌ماه، دوباره طرح به کمیسیون اجتماعی ارجاع داده شده و تصویب آن ناکام‌مانده‌است!

صدیقی، یکی از دغدغه‌های کارگران ساختمانی را تصویب عاجل این طرح و باز شدن مسیر بیمه‌ای کارگران متقاضی می‌داند و می‌گوید: بعد از گذشت ۵۲ سال، انتظار داریم در این شرایط بحران کودی و کسادی بازار ساخت و ساز و در حالی که کرونا این اوضاع را وخیم‌تر کرده، نمایندگان مجلس حساسیت موضوع را درک کنند و اجازه دهند کارگران ساختمانی متقاضی بیمه که غالباً حتی شش ماه از سال را اشتغال کامل ندارند، بیمه شوند.

**عدم تسهیل گری
سازمان تامین اجتماعی**

در مساله بیمه کارگران ساختمانی، مشکلات بسیار وجود دارد که فقط یکی از آنها، لیست طولانی انتظار هفت‌خوان پر مصیبت ثبت‌نام است. مشکل بعدی، هزینه سنگین بیمه و البته قطع شدن آن به علت ناتوانی در پرداخت این هزینه‌است.

صدیقی در این رابطه توضیح می‌دهد: هزینه بیمه کارگران ساختمانی بر اساس کارت‌مهارت و نظام‌درج‌بندی تعیین می‌شود. برای کارگران درجه سه (کارگر ساده)، هزینه ماهانه در سال جدید ۳۶۳ هزار تومان، برای کارگر درجه دو یا نیمه‌ماهر ۳۹۲ هزار تومان و برای کارگر درجه یک یا ماهر ۴۲۳ هزار تومان است. البته این مبالغ برای شش ماه اول سال است. این مبالغ نسبت به شرایط معیشتی و شغلی کارگران و با در نظر گرفتن بیکاری‌های ادواری آنها، بسیار زیاد است. سهم کارگر در بیمه کارگران ساختمانی، ۷ درصد است اما تامین اجتماعی با استاندارد فرمول‌هایی مبتنی بر کارت مهارت، برای هر سه گروه، بیشتر از ۷ درصد را دریافت می‌کند. مثلاً برای کارگر درجه سه، ۷ درصد دقیقاً ۳۰۸ هزار تومان می‌شود نه ۳۶۳ هزار تومان اما آمده‌اند چنددهم در صد اضافه کرده‌اند و مبلغ بیشتری از کارگران ماهانه می‌گیرند. اگر کارگری شش ماه نتواند حق بیمه را بپردازد، بیمه‌اش را خیلی راحت قطع می‌کنند. در واقع، درکی از شرایط سخت‌زندگی کارگران ساختمانی ندارند؛ کارگرانی که به هر دری می‌زنند تا هم‌هزینه‌های سنگین زندگی را تامین کنند و هم بتوانند حق بیمه را پرداخت کنند اما متأسفانه غالباً موفق نمی‌شوند.

**قرار است اصلاحیه مجلس،
ورودی‌های سازمان تامین
اجتماعی را با دریافت
سهم عادلانه از کارفرمایان
و متولیان ساخت و ساز
بیشتر کند؛ اما گویا اراده‌ای
برای تصویب سریع‌تر آن
در کار نیست**

به گفته صدیقی، وظیفه دولت این است که طبق اصل ۲۹ قانون اساسی، آحاد مردم و تمام شهروندان را بیمه کند و وظیفه سازمان تامین اجتماعی این است که طبق ماده ۵ قانون تامین اجتماعی، تمام کارگران ساختمانی کشور را بیمه کند اما متأسفانه به هیچ‌یک از این وظایف بالادستی عمل نشده‌است.

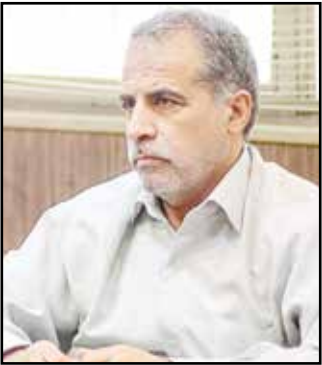
او تأکید می‌کند: اول باید همه کارگران ساختمانی را بدون استثنا و بدون توجه به سهمیه و ظرفیت، بیمه کنند و در گام دوم، باید تسهیل‌گری مناسب در مقوله هزینه بیمه و مهلت پرداخت آن به عمل بیاورند. کارگری که به خاطر بیکاری، بار بر دوش می‌اندازد و کولبری می‌کند یا دست‌فروش می‌شود و بساط پهن می‌کند، اگر داشته باشد، حتماً حق بیمه را سر وقت می‌پردازد.

بیمه‌ما را تسهیل کنید

کارگران ساختمانی وقتی بیکار می‌شوند، به درهای بسته‌ی بسیار بر می‌خورند. وقتی به عراق می‌روند و فعلگی می‌کنند، رنج زندگی در اتاقک‌های نمور و پر ازدحام کارگری بدون امکانات بهداشتی و زیستی را به تن می‌مالند و خیلی ساده از داربست‌های نایمن کردستان عراق سقوط می‌کنند که با مصدوم می‌شوند یا متأسفانه جان خود را در این راه از دست می‌دهند. سال گذشته، اخبار پر بود از کارگران مهاجری که از عراق با اسب‌های جسمی برگشتند و برخی هم شاید نرنگشتند. کولبری مسیر پیچ‌پیچ دیگری است که کمتر به مقصد می‌رسد! کارگران در ازدحام این همه ناکامی و بدبختی، فقط یک چیز ساده می‌خواهند: «بیمه‌ما را تسهیل کنید».

و سایر صندوق‌های بیمه‌گر چطور می‌خواهند با چالش‌ها و وضعیت جدید صندوق‌ها مواجهه داشته باشند، سوالی است که باید به آن پاسخ داد. سوال دیگر این است که ناپایداری صندوق‌ها با توجه به وضعیت موجود چطور باید درمان شود؟ معتقدم هنوز نسخه آماده‌ای وجود ندارد! باید دانست در نهایت تمام تعهدات صندوق‌ها در صورت ورشکستگی بر عهده دولت است زیرا این صندوق‌ها در سال‌های قبل جور دولت را کشیده‌اند و اکنون دولت‌ها مجبور هستند طبق قانون متولی صندوق‌ها در صورت ورشکستگی باشند به‌خصوص که اکنون نرخ پشتیبانی صندوق‌های کشوری حدود ۸۰ درصد است که بسیار خطرناک است.

این فعال کارگری در پایان با یادآوری اینکه «اصلی‌ترین چالش برای صندوق‌ها پیری جمعیت و عبور از آن مرحله دوره طلایی صندوق است»، گفت: کاهش ضربه پشتیبانی برای صندوق‌ها بسیار خطرناک است که برای حل آن باید فکر عاجلی کرد. صندوق‌ها اکنون برای مصارف روزمره از ذخایر خود استفاده می‌کنند که این یک خطر بسیار آشکار است. این وضعیت در تمامی صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشگری وجود دارد و باعث شده که وابستگی‌شان به پول دولت و بودجه جاری افزایش یابد. این در صورتی است که اگر در دهه‌های قبل ذخایر صندوق‌ها مانند بانک‌ها در قالب دلار یا املاک سرمایه‌گذاری می‌شد، این ذخایر چندبرابر اکنون بود و الان تامین اجتماعی و سایر صندوق‌ها پولدارترین نهادهای کشور بودند!



بدون داشتن انبوهی از شرکت‌های زبان‌ده می‌توانست با سود بالای سرمایه‌گذاری، ارزش ذخایر صندوق‌های تأمین‌را حفظ کند. این کارشناس تامین اجتماعی اظهار کرد: بنگه‌داری و تشکیل سازمانی به نام شستا به تامین اجتماعی تحمیل شد. در زمان دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی عملاً چون دولت توان پرداخت تعهدات دولت در قبال صندوق را نداشتند، اقدام به فروش شرکت‌های دولتی به شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی کردند. این واگذاری سمت و سوی خصوصی‌سازی داشت و تامین اجتماعی به ناچار بنگه‌دار و شرکت‌دار شد. در واقع این وضعیت باعث شد که نه تنها وضع صندوق‌های تامین اجتماعی بهتر

هنوز نسخه‌ای برای پایداری صندوق‌های بازنشستگی تجویز نکرده‌ایم

نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری:

یعنی زمانی که جمعیت کشور جوان بود و صندوق می‌توانست با کمک نرخ پشتیبانی بالا منابع خود را سرمایه‌گذاری کند، تدبیر خاصی نکردند. صندوق‌های بازنشستگی کشور این بود که ذخایر و منابع خود را در بانک سرمایه‌گذاری می‌کردند و بانک نیز تنها در حد نرخ کارمزد عایدی به صندوق اضافه می‌کرد. در آن سال‌ها بانک‌ها تنها با پرداخت کارمزد به اصل پول صندوق‌های تامین اجتماعی از پول‌های مردم حفاظت کردند و اولین تبدیل منابع تامین اجتماعی به شکل سرمایه‌گذاری به شکل متعارف در دهه ۷۰ شروع شد. در این مدت اگر مانند خود بانک‌ها منابع و ذخایر صندوق‌های تامین اجتماعی در حوزه مستغلات و املاک سرمایه‌گذاری می‌شد، ارزش ذخایر صندوق‌ها بسیار بیشتر از اکنون بود.

وی گفت: همچنین باید سود خود را از طریق حفظ سهام خود در شرکت‌ها حفظ می‌کردیم و مدیریت شرکت‌ها و بنگه‌داری را کنار می‌گذاشتیم زیرا تصدی‌گری بار سنگینی دارد و در سال‌های اخیر نیز نشان دادیم که سازمان تامین اجتماعی نمی‌تواند سرمایه‌گذار موفق باشد! لذا بهتر بود که مدیران بنگه‌دار و اگذار و خود را به عنوان سهام‌دار بزرگ شرکت‌های غیر قابل واگذاری مطرح می‌کرد و از این طریق

حیدری گفت: اینکه دولت، تامین اجتماعی